

رجای ایران

- ◀ تحولات تاریخی- اجتماعی محلات بندرعباس؛ از قلعه عباسی تا کل شهر
- ◀ ۴۴ سال از شهادت رجایی و باهنر گذشت
- ◀ معرفی پروژه‌های شهرداری بندرعباس در هفته دولت امسال
- ◀ رجایی و باهنر؛ نماد خدمت، اخلاق و ولایت مداری
- ◀ رونمایی از پروژه‌های نوسازی مدارس هرمزگان همزمان با هفته دولت

رجایی و باهنر؛ نماد خدمت، اخلاق و ولایت‌مداری

دنیوی دل نیستند. زندگی‌شان همانند ساده‌ترین اقشار جامعه بود. خدمت بی‌ریا؛ مسئولیت را نه امتیاز، بلکه فرصتی برای خدمت می‌دانستند و همواره در پی حل مشکلات محرومان بودند. ولایت‌مداری؛ تبعیت از امام خمینی (ره) و پس از آن مقام معظم رهبری، اصلی‌ترین خط مشی آنان بود. اخلاق حسنه؛ صداقت، تواضع و مهربانی در رفتارشان موج می‌زد و همین باعث محبوبیت عمیق آنان در میان مردم شد.

هفته دولت؛ فرصتی برای بازنگری و شفافیت

هفته دولت تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه فرصتی برای بازنگری در عملکرد دولت‌هاست. در این ایام، مسئولان می‌توانند با شفافیت، اقدامات انجام‌شده را به اطلاع مردم برسانند. این شفافیت، علاوه بر تقویت اعتماد عمومی، امید به آینده را نیز در دل مردم زنده می‌کند. یادآوری راه و منش رجایی و باهنر به مسئولان یادآور می‌شود که تنها با صداقت، تلاش بی‌وقفه، پرهیز از حاشیه‌سازی و تمرکز بر خدمت صادقانه به مردم است که می‌توان رضایت الهی و اعتماد ملت را جلب کرد. شهیدان رجایی و باهنر تنها مسئولان یک دوره کوتاه از تاریخ ایران نبودند؛ آنان مکتبی از اخلاق، خدمت و ولایت‌مداری را به یادگار گذاشتند. زندگی و شهادتشان نشان داد که حتی در بالاترین جایگاه‌های سیاسی می‌توان ساده زیست، پاکدست بود و خود را وقف مردم کرد. امروز نیز اگر دولتمردان بخواهند در دل مردم جای داشته باشند، باید راه این شهیدان را ادامه دهند: ساده‌زیستی، صداقت، خدمت به محرومان و تبعیت از ولایت. هفته دولت فرصتی است برای زنده نگه‌داشتن این آموزه‌ها و الگوپردازی از اسوه‌هایی که نامشان تا ابد با خدمت و پاکی گره خورده است.



شهادت در راه مردم

در هشتم شهریور ۱۳۶۰، تنها چند هفته پس از آغاز فعالیت مشترکشان در دولت، رجایی و باهنر به همراه جمعی از یارانشان در انفجار دفتر نخست‌وزیری به دست منافقین به شهادت رسیدند. این حادثه تلخ، ملت ایران را در غم و اندوهی عمیق فرو برد. باین‌حال، خون پاک آنان الگویی ماندگار از صداقت، شجاعت و فداکاری بر جای گذاشت و راه خدمت بی‌منت به مردم را روشن‌تر ساخت.

شاخصه‌های اخلاقی و سیاسی رجایی و باهنر

این دو شهید والامقام در چند ویژگی برجسته مشترک بودند: ساده‌زیستی؛ هیچ‌گاه به تجملات و رفاه

پس از ورود به حوزه علمیه کرمان و سپس قم، در محضر اساتید بزرگی چون امام خمینی (ره) به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. باهنر علاوه بر جایگاه علمی و حوزوی، نویسنده و متفکری توانمند بود. دغدغه اصلی او آشنایی نسل جوان با معارف اسلامی و تربیت دینی بود و برای همین ده‌ها کتاب و مقاله در زمینه آموزش و پرورش اسلامی نگاشت. در کنار فعالیت‌های علمی، او همواره در صف مبارزان علیه رژیم پهلوی حضور داشت و بارها دستگیر و زندانی شد. پس از انقلاب اسلامی، باهنر مسئولیت‌های مهمی برعهده گرفت و در کنار رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر دولت خدمت کرد. او شخصیتی آرام، متفکر و متعهد بود که با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر در مسیر خدمت به مردم گام برمی‌داشت.

ماندگار بود. او تنها ۲۸ روز در این جایگاه حضور داشت، اما همین مدت کافی بود تا نشان دهد مسئولیت را نه برای مقام و شهرت، بلکه برای خدمت به مردم پذیرفته است. زندگی ساده‌اش هیچ تفاوتی با روزهای قبل نداشت؛ خانه‌ای معمولی، رفتاری صمیمانه و بی‌تکلف با مردم، و باور راسخ به اینکه «مسئولیت یعنی خدمتگزاری». رجایی همواره تأکید داشت که رئیس‌جمهور مردم است، نه حاکم بر مردم.

شهید محمدجواد باهنر؛ اندیشمندی متعهد و یار صمیمی انقلاب

محمدجواد باهنر نیز همچون رجایی در سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد، اما در شهر کرمان. او از همان کودکی به تحصیل علوم دینی علاقه‌مند بود و



سامیه پهلوزیان

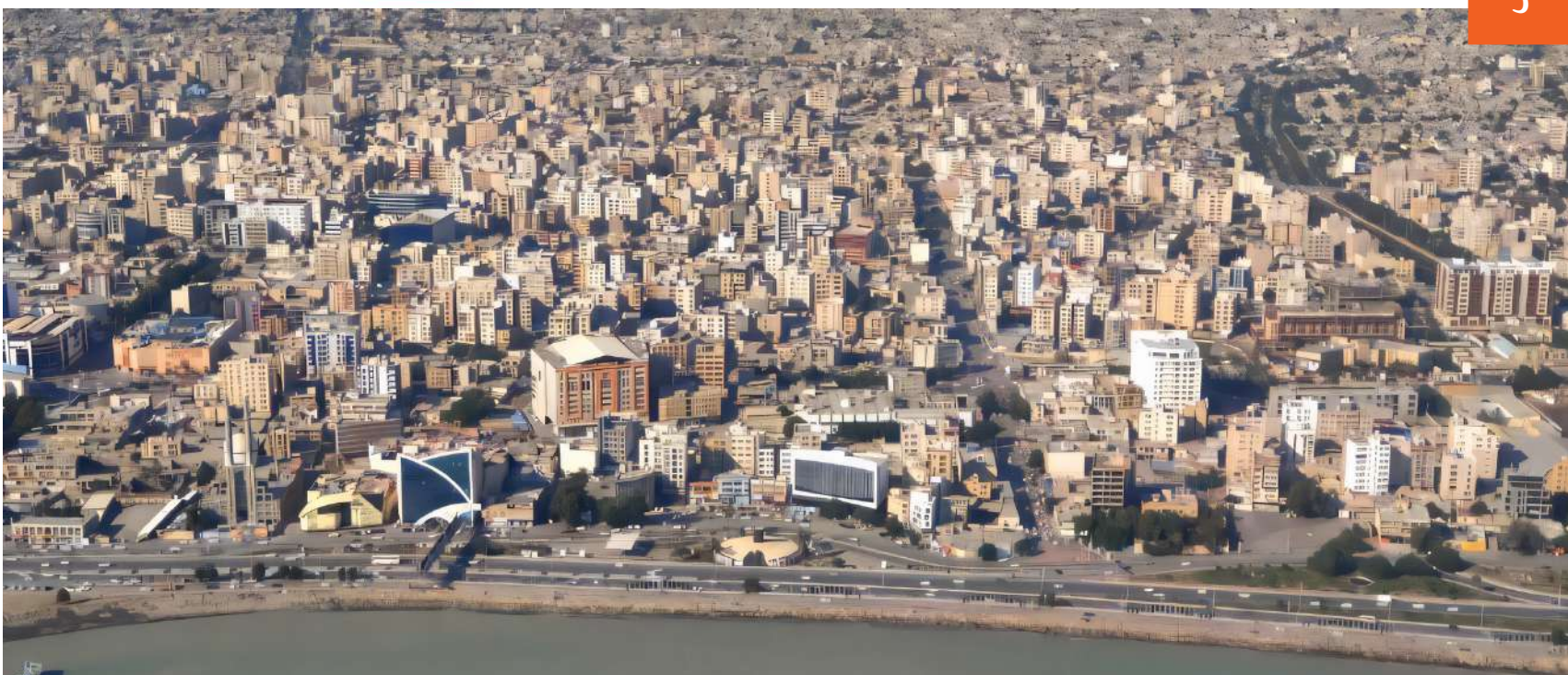
هفته دولت یادآور خاطره دو یار دیرین انقلاب، شهیدان محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر است؛ دو معلم اخلاق و سیاست که زندگی و سیره‌شان، تجسمی روشن از صداقت، ساده‌زیستی و خدمت بی‌منت به مردم بود. این ایام، فرصتی برای بازنگری در عملکرد دولت و بازخوانی سیره این دو شهید والامقام است؛ انسان‌هایی که در کوتاه‌ترین دوران مسئولیت، بزرگ‌ترین درس‌های خدمتگزاری را به تاریخ انقلاب اسلامی آموختند.

شهید محمدعلی رجایی؛ معلمی ساده‌زیست و رئیس‌جمهوری مردمی

محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ در قزوین به دنیا آمد. او دوران کودکی سختی را پشت سر گذاشت؛ در سه‌سالگی پدرش را از دست داد و از همان ابتدا مژه تلخ یتیمی و فقر را چشید. برای کمک به خانواده‌اش به کارگری و شاگردی کفاشی روی آورد، اما هیچ‌گاه از تحصیل بازنیستاد. با تلاش و پشتکار فراوان توانست مسیر علمی خود را ادامه دهد و بعدها به شغل معلمی روی آورد. رجایی همواره معلمی متواضع، مهربان و مردمی بود. او در کنار تدریس، به فعالیت‌های انقلابی نیز پرداخت و سال‌ها به مبارزه علیه رژیم پهلوی مشغول بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، صداقت و پاکدستی او موجب شد به‌سرعت در مسئولیت‌های مهمی همچون وزارت آموزش و پرورش و سپس نخست‌وزیری قرار گیرد. در سال ۱۳۶۰ با رأی قاطع مردم به ریاست‌جمهوری رسید. دوران ریاست‌جمهوری رجایی کوتاه اما



انفجار در دفتر نخست‌وزیری ایران، ۸ شهریور ۱۳۶۰ و اعلام خبر آن در روزنامه‌های سراسری یک روز پس از حادثه



تحولات تاریخی-اجتماعی محلات بندرعباس؛ از قلعه عباسی تا کل شهر

عکاس: امیرحسین اورنگ



سامیه طهوریان



بندرعباس به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای بندری ایران در حاشیه خلیج فارس، تاریخی طولانی و پر فراز و نشیب دارد. این شهر در آغاز با ساخت قلعه شاهی یا قلعه عباسی در دوران صفویه شکل گرفت و از همان زمان به تدریج با مهاجرت اقوام و گروه‌های مختلف از جنوب و مرکز ایران و حتی نقاط دورتر، به شهری پرجمعیت تبدیل شد. با گذر زمان، روستاهایی همچون نایند، مغ ناخا، سورو، داماهی و شغو در بافت شهر ادغام شدند و هویت محلات سنتی بندرعباس را پدید آوردند. در دوران پهلوی، با تمرکز دولت مرکزی بر توسعه شهری و ایجاد زیرساخت‌هایی چون گمرک، اسکله، کارخانه برق و شهرداری، محلات جدیدی شکل گرفت و برخی محلات قدیمی نیز گسترش یافتند. پس از انقلاب اسلامی، روند توسعه شهری با ایجاد شهرک‌های تازه، محلات مدرن و مجتمع‌های مسکونی ادامه پیدا کرد. این مقاله نگاهی جامع به تحولات محلات بندرعباس از صفویه تا امروز دارد و نشان می‌دهد که چگونه این شهر بندری به کانون مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جنوب ایران بدل شد.

فصل اول: کلیات شهر بندرعباس

۱. آغاز شکل‌گیری: قلعه عباسی و نخستین محلات

پیدایش بندرعباس به عنوان یک شهر بندری با ساخت قلعه عباسی در دوران صفویه گره خورده است. در زمانی که پرتغالی‌ها در محل «کمبرون» قلعه‌ای برای کنترل راه‌های دریایی خلیج فارس بنا کردند، شاه عباس صفوی دستور داد با تخریب آن قلعه، دژی جدید ساخته شود. این دژ به «قلعه عباسی» یا «قلعه شاهی» شهرت یافت و نخستین هسته شهری

بندرعباس محسوب می‌شود. هنوز هم در غرب شهر محله‌ای به همین نام باقی است. این اقدام نه تنها پاسخ نظامی ایران به استعمار پرتغالی‌ها بود، بلکه باعث مهاجرت گروه‌های مختلف به این بندر شد. از آن پس، بندرعباس به مرکز تجارت و تبادل کالا بدل گشت و روستاهایی مانند نایند، مغ ناخا (نخل ناخدا)، داماهی، سورو و شغو به تدریج در بافت شهری جای گرفتند.

۲. محلات سنتی و بومی بندرعباس

هر یک از محلات بندرعباس ریشه در فرهنگ و اقتصاد خاصی داشت. برای نمونه: مغ ناخا به سبب نخلستان‌ها و کشاورزی محلی شهرت داشت. سورو از قدیمی‌ترین محلات بندرعباس است که برخی پژوهشگران قدمت آن را حتی به پیش از اسلام می‌رسانند. شغو محله‌ای بود که در مسیر کاروان‌ها قرار داشت و بعدها با توسعه پایگاه هوایی تغییر کاربری داد. داماهی و نایند نیز در آغاز روستا بودند و بعدها با گسترش شهر، به محلات مهم تبدیل شدند.

پلیس جنوب (S.P.R)، ساخت گمرک، خطوط تلگراف و اسکله، روند شهرنشینی شدت گرفت. بعدها نهادهایی چون اداره فرهنگ، شهرداری (بلدیه)، ژاندارمری و نیروی دریایی شکل گرفتند که ساختار شهری بندرعباس را مدرن‌تر کردند. محلاتی همچون کنسولگری به واسطه استقرار نهادهای استعماری، و محلاتی مانند سهره گمرک به دلیل وجود اداره گمرک به این نام شهرت یافتند.

فصل دوم: محلات بندرعباس در دوران پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷)

۱. توسعه شهری و مهاجرت‌ها

دوران پهلوی برای بندرعباس دوره‌ای از گسترش شتابان شهری بود. مهاجرت روستاییان به شهر شدت گرفت و حکومت مرکزی برای پاسخ به نیازهای جمعیتی و اقتصادی، اقدام به ساخت محلات جدید کرد. مناطقی همچون مغ ناخا، نایند، سورو، شغو و خواجه عطا که در گذشته



کنسولگری انگلیس در بندر عباس دوره ی قاجار در سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۹

روستا بودند، رسماً به بافت شهر پیوستند. محلات تازه‌ای نیز پدید آمدند که هر یک نام و هویتی خاص داشتند.

۲. محلات مهم این دوره

پشت بن: محله‌ای قدیمی با اهمیت تجاری.

کنسولگری: محل استقرار انگلیسی‌ها.

نظرآباد: پذیرای مهاجران تازه‌وارد.

برکه کرد: به سبب وجود برکه تاریخی صفوی، چنین نام گرفت.

دروازه ایسینی (راهداری ایسینی): به واسطه مسیر ارتباطی شهر با روستای ایسین.

درخت سبز: محله‌ای که نامش از درختی خاص با شهرت درمان عقرب گرفته شد.

سرریغ (سرریگ): محل کاروان‌های شتر و سکونت بلوچ‌ها.

سیم بالا: جایی که نخستین کابل تلگراف از جزیره هنگام به خشکی می‌رسید.

شاه حسینی: خیابانی که در دهه ۱۳۳۰ با مدیریت محمود شاه حسینی ساخته شد.

ششصد دستگاه و دوهزار دستگاه: شهرک‌هایی برای اسکان کارمندان و کارگران که با خانه‌سازی سازمان یافته شکل گرفتند.

۳. محلات کارگری و سازمانی

با توسعه صنایع و نهادهای دولتی، محلاتی چون فرهنگیان، استنویک (هفتگی)، شهناز، هدی‌ش، مهکان، شهرک ملوانان، کمب برق و کمب‌گاز ایجاد شدند. این محلات در اصل برای اسکان کارمندان دولت و نیروهای نظامی ساخته شدند و بعدها در بافت اصلی شهر جای گرفتند.

محله آریاشهر نیز از محلات شاخص این دوره بود که با ساخت‌وسازهای مدرن، چهره‌ای متفاوت به بندرعباس بخشید.

فصل سوم: محلات بندرعباس پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷)

۱. روند توسعه

پس از انقلاب اسلامی، بندرعباس همچنان در مسیر توسعه شهری شتابان قرار داشت. رشد جمعیت، مهاجرت‌های گسترده از استان‌های همجوار، و توسعه صنایع بندری و اقتصادی، سبب شد محلات تازه‌ای شکل گیرد.

۲. محلات جدید این دوره

گل‌شهر: یکی از بزرگ‌ترین محلات جدید بندرعباس.

زیباشهر و آزادشهر: شهرک‌هایی با ساختار نوین.

بهشت بندر و طلایه: محلاتی سازمان‌یافته در حاشیه شهر.

سنگ‌کن: در مجاورت بلوار امام حسین (ع) و سایر مجتمع‌های مسکونی جدید.

این محلات اغلب دارای ساختار مهندسی‌شده و بافت مسکونی منظم‌تر

نسبت به محلات قدیمی هستند و نشان‌دهنده تغییر رویکرد شهرسازی در بندرعباس به سمت توسعه افقی و ایجاد مجتمع‌های مدرن‌اند.

فصل چهارم: محلات تاریخی و نام‌های ماندگار

بسیاری از محلات بندرعباس به واسطه ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی یا رویدادهای تاریخی نام‌گذاری شده‌اند. برای نمونه: برکه ناظمی: ساخته‌شده توسط ناظم‌التجار.

باغ منیر و باغ مولوی: یادگار باغ‌های قدیمی شهر.

کرتی: برگرفته از حسینی‌های که ستون آن از چوب درخت کُرت بود.

گور فرنگ: محل قبرستان هلندی‌ها در دوران صفویه.

گل‌کنی: جایی که مردم برای خانه‌سازی گل برداشت می‌کردند.

یادبود: میدانی که در جشن تاج‌گذاری محمدرضاشاه بنا شد.

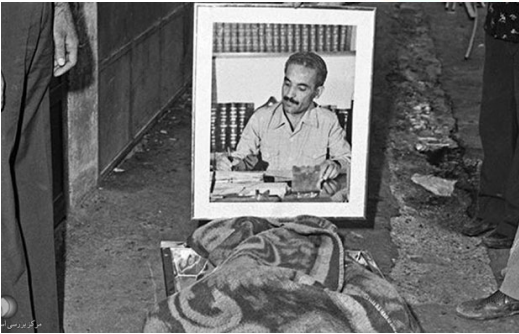
سهره برق: به دلیل وجود کارخانه برق در آن نقطه.

محله اوزی‌ها: محل سکونت مهاجران اوز و کرّاش لارستان.

محله بابا غلام: برگرفته از نام فردی محلی که قهوه‌خانه داشت. این نام‌ها بیانگر زندگی روزمره مردم، باورهای مذهبی، مشاغل سنتی و حتی نشانه‌های سیاسی و استعماری در تاریخ بندرعباس هستند. محلات بندرعباس، آینه تمام‌نمای تاریخ این شهر بندری‌اند. از قلعه عباسی دوران صفوی که در برابر پرتغالی‌ها ساخته شد تا شهرک‌های مهندسی‌شده پس از انقلاب اسلامی، هر محله داستانی دارد از مهاجرت، تجارت، فرهنگ، مذهب و زندگی مردم. بررسی این محلات نشان می‌دهد بندرعباس تنها یک بندر تجاری نیست، بلکه شهری است با هویت اجتماعی - فرهنگی غنی که در بستر تاریخ، همواره پذیرای تحولات و تغییرات بوده است. امروز، کل‌شهر، زیباشهر و بهشت بندر در کنار قلعه شاهی، نایند و مغ ناخا، نمادهای زنده‌ای از پیوند سنت و مدرنیته در بندرعباس‌اند.

نخست وزیری در سال ۱۳۶۰

جایی و باهنر گذشت



عاملان ترور شهیدان رجایی و باهنر آزادانه در غرب جولان می دهند

پروفسور «کوبین برت» استاد دانشگاه و پژوهشگر آمریکایی در یادداشت خود که در سایت رنژ تودی در سال ۱۳۹۴ منتشر شد؛ از اینکه عاملان ترور شهیدان رجایی و باهنر به راحتی در غرب به فعالیت خود ادامه می دهند خبر داد. برت در این یادداشت می نویسد: «تروریست های سازمان مجاهدین خلق {منافقین} که رجایی، رئیس جمهور ایران و هزاران نفر از دیگر ایرانیان را کشته اند، هنوز هم تحت حفاظت و حمایت مقامات غربی هستند.

از آنجایی که غرب به دنبال توافق هسته ای در جهت عادی سازی روابط با ایران گام بر می دارد، مشروعیت داشتن حقوق هسته ای جمهوری اسلامی را پذیرفته و قصد همکاری با این کشور برای مقابله با داعش را دارد، شاید دیگر وقت اعلام یک «جنگ اطلاعاتی علیه تروریسم» باشد. حقیقت در مورد تروریسم باید خیلی زودتر از اینجا گفته می شد؛ با توجه به این واقعیت غیر قابل انکار که اکثریت قریب به اتفاق موارد تروریسم از زمان جنگ جهانی دوم با حمایت دولت های غربی و یا توسط خود آنها صورت گرفته است.» این استاد دانشگاه در ادامه می نویسد: «محمد علی رجایی» به دنبال محبوبیتی که قبل از در میان مردم در زمان تصدی خود در دفتر نخست وزیر به دست آورده بود، به سمت ریاست جمهوری رسید. سبک ساده زیستی نخست وزیر رجایی، سیاست های محبوب وی و قدرت و اثربخشی وی تا حدی حسادت رئیس جمهور غرب گرا (بنی صدر) را برانگیخت که وی در موارد متعددی و برای دور کردن وی از دولت، آشکارا به رجایی توهین می کرد.

اما حمایت مردم و مجلس (پارلمان) مانع از تلاش های وی می شد. بر خلاف بنی صدر، که پس از پیروزی انقلاب به ایران بازگشته بود و در زمان شکل گیری انقلاب اسلامی برای سال های بسیاری در پاریس زندگی کرده بود، رجایی یک انقلابی با سابقه طولانی در مبارزه علیه رژیم شاه بود که در موارد متعدد در زندانهای این رژیم بازداشت، زندانی و شکنجه شده بود.

اگرچه او یک معلم (و نه عضو روحانیت) بود، برای رهایی کشور از سلطه آمریکا با از خود گذشتگی ویژه و عشق به امام خمینی تلاش بسیاری کرد. او نخستین بار در سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) توسط ساواک (پلیس مخفی شاه) دستگیر شد و برای ۵۰ روز در بازداشت بود و به محض آزاد شدن اش، دوباره وارد میدان نبرد شد. وقتی که او دوباره در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) بازداشت شد، ۴ سال را در حبس گذراند. او در طول این زمان از هیچ تلاشی از سوی توطئه گران در امان ماند. او نزدیک به ۲۰ ماه را در سلول انفرادی گذراند؛ محدوده زمانی که به ندرت برای حبس انفرادی استفاده می شود (که نوعی شکنجه است) و در موارد خاص علیه انقلابیون استفاده می شود. هنگامی که این روش نیز با شکست مواجه شد، آنها شهید رجایی را به گروه ضربت ضد براندازی منتقل کرده و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار دادند. اثرات این شکنجه برای سال ها بر روی بدن شهید رجایی باقی ماند. او در نشست شورای امنیت و در مصاحبه با خبرنگاران هنگامی که از وی در خصوص وضعیت گروگان های آمریکایی سوال شد، این اثرات را به عنوان شواهدی به سازمان ملل متحد نشان داد و گفت: «من چندین سال را در زندان کازرو و آمریکا در سیاه چال های شاه ملعون شکنجه شده ام. این اثرات شکنجه است که پس از ۴ سال هنوز می توانید مشاهده کنید ... اما ما با گروگان ها کاملاً انسانی رفتار می کنیم».

مردی که از چنین کلمات درشت و بدون کنترلی در برابر تجاوز آمریکا در قلب آمریکا صحبت می کرد و از تجاوز امپریالیستی آمریکا علیه دیگر کشورها صحبت می کرد، همان شخصی است که در جای دیگری گفت: «اگر آمریکا و متحدانش به ما بگویند به سلطه ما در آید تا ما گندم مورد نیاز شما را تامین کنیم، ما تکه نان خود را در میان ۳۶ میلیون نفر تقسیم خواهیم کرد، اما زندگی زیر یوغ استعمار شما را نمی پذیریم.» رئیس جمهور ۴۸ ساله پیش خود طعم تلخ فقر را چشیده بود. او پدرش را در سن ۴ سالگی از دست داده بود و از زمانی که هنوز یک نوجوان بود کارش را با دستفروشی آغاز کرده بود. دستفروش گذشته، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) با اکثریت ۹۰ درصد آراء رای دهندگان ایرانی پیروز شد و در ۸ شهریور ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) ترور شد و به شهادت نائل آمده است. رجایی به دلیل ساده زیستی، تولد از بطن بخش ستمدیده جامعه و تشنگی غیر قابل وصف اش برای مبارزه علیه امپریالیسم و برقراری عدالت اجتماعی، از محبوبیت فوق العاده ای در میان ایرانیان برخوردار بود. عاملان ترور رجایی - سران منافقین - در حال حاضر آزادانه در اروپا زندگی می کنند و حتی از تربیون های پارلمان های غربی با تروریست ها صحبت می کنند و دولتمردان و سیاستمداران آمریکایی و اروپایی برای آنها کف می زنند.

و سپس در سال ۱۳۵۹ به نمایندگی مردم تهران وارد مجلس شورای اسلامی شد. در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ به نخست وزیر و پس از عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری در انتخابات دوم مرداد ۱۳۶۰ با بیش از ۱۳ میلیون رأی مردم به عنوان دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و اما نخست وزیر او، محمد جواد باهنر هنگام شهادت ۴۸ ساله بود. او پس از پیروزی انقلاب مسئولیت هایی از جمله عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، وزیر آموزش و پرورش در کابینه شهید رجایی و دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی پس از شهادت دکتر بهشتی را برعهده داشت.

واکنش امام خمینی(س) به شهادت رجایی و باهنر

صبح روز بعد از انفجار دفتر نخست وزیری، امام خمینی(س) در دیدار با جمعی از اقشار مردم که در حسینیه جماران انجام شد به تجلیل از شخصیت شهیدان رجایی و باهنر پرداختند. ایشان در این دیدار در رابطه با شهادت شهیدان رجایی و باهنر گفتند:

«منطق ملت ما، منطق مؤمنین، منطق قرآن است: إِنْ أَلِهَ وَإِنَّا لِلَّهِ رَاجِعُونَ. با این منطق، هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که - ملتی که - خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود، مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی توانند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن اینکه شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می کنند که با ترور شخصیت ها، ترور اشخاص، می توانند با این ملت مقابله کنند؛ و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجمتر شد.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۱۳۴)

حضرت امام در ادامه می فرمایند: «... گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند در نظر همه ما عزیز و ارجمندند؛ و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی که با هم در جبهه های نبرد با قدرت های فاسد همجنگ و همزم بودند. و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من بیست سال است که با آقای باهنر همراه بوده ام و خداوند خواست که با هم از دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا می داند و شهادت را فوز عظیم می داند، و شهدایی که در صدر اسلام و از صدر، اسلام تا کنون داده است عالیت و بالاتر از تمام افرادی هستند که در این قرن موجودند» (همان، ص: ۱۳۵)

بنیانگذار انقلاب در ادامه سخنی هم به منافقین دارند و می گویند: «... آن کوردلانی که گمان کرده اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر از بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان، افکار مادی [است] و برای دنیا کار می کنند و به هوای دنیا هستند.» (همان، ص: ۱۳۶)

انگیزه منافقین از ترورها

حضرت اما در ادامه درباره انگیزه این ترور ها می گویند: «... باید دید که اینهایی که این طور کارها را انجام می دهند، انگیزه آنها چیست. انگیزه آنها این است که برای این ملت، بعد یک دسته دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر شناخته اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سر کرده تروریست هاست، کسانی که سر کرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می کنند، در بین ملت جای ندارند؟» (همان، ص: ۱۳۶)

همبستگی دولت و ملت در ایران

ایشان در ادامه صحبت هایی را در راستای همبستگی دولت و ملت مطرح می کنند و می گویند: «... جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می آورند و خود ملت یک فردی را کنار می گذارند و خود ملت [اگر] فردی شهید شد، به جای او باز یکی را انتخاب می کنند و خود را از دولت می دانند و دولت را از خود می دانند و خود را از رئیس جمهوری مکتبی می دانند و رئیس جمهوری مکتبی را از خود می دانند. از این جهت، و لو اینکه رئیس جمهور شهید بشود، نخست وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود ملت ما هیچ خم به ابرو نمی آورند و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می کنند.» (همان، ص: ۱۳۶)

شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر در

انفجار دفتر نخست وزیری در ۸ شهریور ۱۳۶۰ است؛

حادثه ای که به دست منافقین و با جاسازی بمب

در یک کیف دستی رخ داد. در این انفجار علاوه بر

این دو مسئول بلند پایه، چند مقام ارشد دیگر نیز

شهید و ده ها نفر مجروح شدند. اجساد رجایی و

باهنر به دلیل شدت سوختگی تنها از طریق دندان ها

شناسایی شد. این واقعه دومین ترور بزرگ پس از

حادثه ۷ تیر بود که بخش زیادی از سرمایه های

انقلاب اسلامی را از ملت گرفت، اما همان طور که امام

خمینی (ره) تأکید کردند، این ترورها نه تنها خللی در

مسیر انقلاب ایجاد نکرد بلکه انسجام و مقاومت

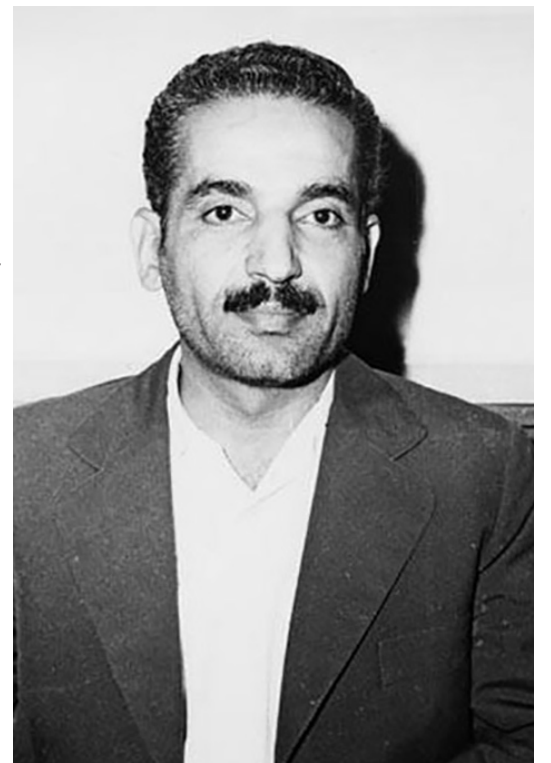
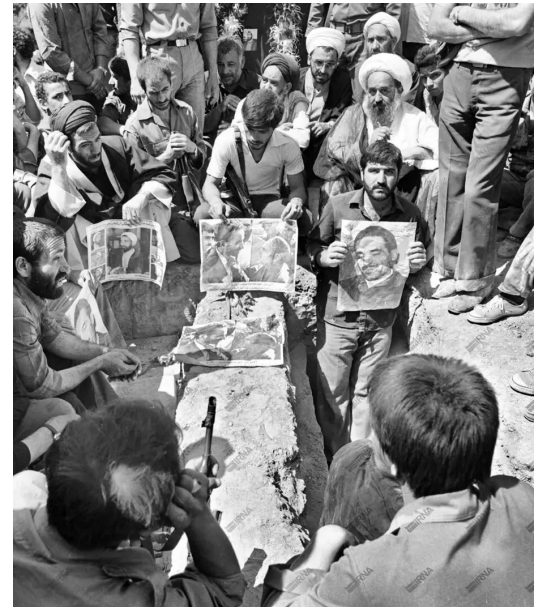
ملت ایران را بیشتر ساخت.



بررسی پرونده انفجار دفتر

۴۴ سال از شهادت

سامیه طهوریان



همین زمینه یک شاهد عینی می‌گوید: «پس از انفجار ناگهان دود غلیظی توام با آتش از طبقه اول و دوم ساختمان نخست‌وزیری به چشم خورد و پس از مدتی ماموران و عده‌ای از مردم که در نزدیکی ساختمان نخست‌وزیری بودند با فریاد «الله اکبر» به طرف نخست‌وزیری دویدند. از طرف دیگر ماموران آتش‌نشانی و سپاه و کمیته‌ها و شهرداری نیز در محل حاضر شدند و برای نجات مجروحین به تلاش پرداختند. وی افزود: این حادثه دست کمی از فاجعه ۷ تیر دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی نداشت.»

شاهدان عینی چه گفتند

یکی از کارمندان قسمت آبدارخانه نخست‌وزیری که از ناحیه دست مجروح شده بود هم درباره واقعه انفجار می‌گوید: «وحشتناک بود! در طبقه دوم داشتم به طرف آبدارخانه می‌رفتم که صدای وحشتناکی تنم را لرزاند و بلافاصله زبانه‌های آتش را دیدم که از اطاق کنفرانس به بیرون تنوره می‌کشید. از وحشت نمی‌دانستم چه کنم. هرچه سعی کردم فکر را متمرکز کنم و ببینم چه اتفاقی رخ داده است، موفق نشدم، چون دود غلیظی تمام سالن طبقه دوم را فرا گرفته بود. از وحشت از طبقه دوم به اتفاق یکی دیگر از همکارانم به کوچه کنار نخست‌وزیری پریدیم و در این موقع بود که دستم مجروح شد، وقتی در کوچه مقداری بر اعصاب مسلط شدم، صدای «الله اکبر» را از داخل ساختمان همراه با شکستن شیشه‌ها می‌شنیدم، نمی‌دانستم چه کنم، هنوز آتش‌نشانی نیامده بود، وقتی ماموران آتش‌نشانی رسیدند و آتش را خاموش کردند به درون ساختمان رفتیم و به کمک امدادگران پرداختیم.»

یکی از پاسداران محافظ نخست‌وزیری هم که شاهد عینی ماجرا بود می‌گوید: «بیرون ساختمان نخست‌وزیری مشغول پاسداری بودم که صدای انفجاری شنیدم سراسیمه خود را به نزدیک در ورودی خیابان پاستور رسانیدم و متوجه شدم که چند تن از امرای ارتش در حالی که یکی از آن‌ها خون از سرش جاری بود از پله‌های نخست‌وزیری به پایین می‌دویدند و از طرفی صدای «الله اکبر» نیز که از داخل ساختمان شنیده می‌شد، مرا متوجه ساخت که کسانی احتیاج به کمک دارند. بلافاصله خود را به طبقه‌ای رساندم که آتش‌سوزی از آنجا جریان داشت و در همانجا پایم نیز زخمی شد، اما فوری محل را ترک کردم و پایین آمدم و در همین زمان بود که ماموران آتش‌نشانی به محل رسیدند و به انجام عملیات خاموش کردن آتش پرداختند.»

نحوه شناسایی اجساد شهداء

اجساد شهدای این فاجعه به صورتی سوخته بود که به هیچ وجه شناسایی آن‌ها ممکن نبود. از سوی دیگر در میان زخمی‌های این حادثه اثری از برادران رجایی و باهنر به چشم نمی‌خورد و بدین ترتیب حدس زده می‌شد که ۲ جسد از ۳ جسد به دست آمده متعلق به رئیس جمهور و نخست‌وزیر باشد. بالاخره در آخرین ساعت شب پیکرهای قربانیان حادثه ۸ شهریور از روی علائمی که در دندان‌های هر کدام از آن‌ها وجود داشت شناسایی شدند. محمد علی رجایی ۴۸ ساله، پس از پیروزی انقلاب ابتدا به وزارت آموزش و پرورش رسید و سپس در سال ۱۳۵۹ به نمایندگی مردم تهران وارد مجلس شورای اسلامی شد. در ۲۰ مرداد ۱۳۵۹ به نخست‌وزیری و پس از عزل بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری در انتخابات دوم مرداد ۱۳۶۰ با بیش از ۱۳ میلیون رأی مردم به عنوان دومین رئیس جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و اما نخست‌وزیر او، محمد جواد باهنر هنگام شهادت ۴۸ ساله بود. او پس از پیروزی انقلاب مسئولیت‌هایی از جمله عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، وزیر آموزش و پرورش در کابینه شهید رجایی و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی پس از شهادت دکتر بهشتی را برعهده داشت.

نحوه شناسایی اجساد شهداء

اجساد شهدای این فاجعه به صورتی سوخته بود که به هیچ وجه شناسایی آن‌ها ممکن نبود. از سوی دیگر در میان زخمی‌های این حادثه اثری از برادران رجایی و باهنر به چشم نمی‌خورد و بدین ترتیب حدس زده می‌شد که ۲ جسد از ۳ جسد به دست آمده متعلق به رئیس جمهور و نخست‌وزیر باشد. بالاخره در آخرین ساعت شب پیکرهای قربانیان حادثه ۸ شهریور از روی علائمی که در دندان‌های هر کدام از آن‌ها وجود داشت شناسایی شدند. محمد علی رجایی ۴۸ ساله، پس از پیروزی انقلاب ابتدا به وزارت آموزش و پرورش رسید

۴۴ سال پیش در روز هشتم شهریور ۱۳۶۰، و در اولین ساعات بعد از ظهر، صدای مهیبی در اطراف دفتر نخست‌وزیری پخش شد. با بمب‌گذاری منافقین یک انفجار مهیب در دفتر نخست‌وزیری به وقوع می‌پیوندد و فریاد های "الله اکبر" از داخل ساختمان به گوش می‌رسد. پس از آن، همه دست به دست هم می‌دهند تا آتش را خاموش کنند. آتش‌نشانی، شهرداری، کمیته‌ها، سپاه و گروهی از مردم آتش خاموش را می‌کنند، اما این فقط یک انفجار و آتش‌سوزی نیست. این آتش پردود، ۲ تن از مسئولان کشور به همراه چند تن از مسئولان ارشد را با خود به همراه می‌برد. ۷ تیر ماه و درست ۲ ماه قبل از این واقعه، شهید بهشتی و تعدادی از اعضای حزب جمهوری اسلامی در سرچشمه با بمب‌گذاری که توسط منافقین صورت می‌گیرد، شهید می‌شوند و حالا ۸ شهریور رئیس جمهور، نخست‌وزیر و تعدادی از مسئولان کشوری قربانی بمب‌گذاری دیگری می‌شوند. ابتدای انقلاب بسیاری از سرمایه‌های انقلاب اسلامی یا به شهادت رسیدند و یا ترور نافرجام علیه شان صورت گرفت. خبرنگار روزنامه اطلاعات که این رویداد را در فردای روز انفجار دفتر نخست‌وزیری در گزارشی با عنوان گزارش لحظه به لحظه در این روزنامه نوشت، درباره زمان و نحوه ی بمب‌گذاری می‌نویسد: «حادثه انفجار در ساعت ۳ بعدازظهر دیروز روی داد و در این ساعت، آقایان محمدعلی رجایی رئیس جمهوری و دکتر محمدجواد باهنر نخست‌وزیر، و چند تن از مقامات نظامی و امنیتی کشور در یک جلسه فوق‌العاده شرکت داشتند. در پی انفجار بمب که گفته می‌شود در داخل یک کیف دستی جاسازی شده بود، قسمت‌هایی از طبقه اول و طبقه دوم ساختمان نخست‌وزیری در مجاورت خیابان پاستور دچار حریق شد و آتش و دود فضای محل انفجار را فرا گرفت. در این حادثه محمدعلی رجایی رئیس جمهور و دکتر محمدجواد باهنر نخست‌وزیر و چند تن از مقامات مملکتی که در جلسه مذکور حضور داشتند، به درجه رفیع شهادت نایل شدند و مجروحان حادثه با کمک ماموران و پرسنل نهادهای انقلابی به بیمارستان‌ها انتقال یافتند و تحت مراقبت‌های درمانی و پزشکی قرار گرفتند.» در اولین لحظات پس از وقوع انفجار در محل نخست‌وزیری آتش‌نشانی، شهرداری، کمیته‌ها، سپاه و گروهی از مردم حاضر شدند تا آتش را خاموش کنند. تعدادی از افراد که زیر آوار مانده بودند از زیر آوار خارج شده و به بیمارستان انتقال یافتند. جنازه چند شهید نیز از زیر آوار خارج شد که به علت شدت سوختگی قابل شناسایی نبود. بر اساس آنچه که در گزارش روزنامه اطلاعات آمده است، پس از اطفاء حریق، ماموران انتظامی حاضر کنترل نظم را بر عهده گرفتند و پیکر پاک شهدا از محل نخست‌وزیری با آمبولانس و هلی‌کوپترهای نظامی خارج شد.

روایت روزنامه اطلاعات از انفجار دفتر نخست‌وزیری

اطلاعات در ادامه این گزارش می‌نویسد: «به گزارش خبرنگاران ما از محل حادثه تعداد مجروحین و شهدا تا ساعت ۱۲ شب، ۸ شهید و ۲۳ مجروح گزارش شده بود. خبرنگار ما طی این گزارش اشاره کرد که از این تعداد مجروحین تنی چند از مقامات مسئول مملکتی هستند که عبارتند از آقایان سرهنگ وحید دستگردی سرپرست شهربانی جمهوری اسلامی ایران، سرهنگ سیدموسی نامجو وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع، تیمسار شرف‌خواه جانشین فرمانده نیروی زمینی، سرهنگ وصالی، سرهنگ اخبانی رئیس ستاد ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، سرهنگ کتیبه‌ای نماینده ستاد مشترک ارتش و عده‌ای از کارکنان نخست‌وزیری و چند عابر که در لحظه انفجار بمب از مقابل ساختمان عبور می‌کردند.» همه می‌کوشند تا تعدادت تلفات به کمترین حد خود برسد. مجروحان بلافاصله با کمک مردم و نهادها و امدادگران به بیمارستان‌های فیروزگر، مصطفی‌خمینی، انقلاب، سوانح سوختگی، سینا، امیراعلم و امام خمینی انتقال داده می‌شوند و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند. از این عده مجروحین تعدادی سربایی مداوا شدند و بیمارستان را ترک کردند. بقیه مجروحین در بیمارستان‌ها بستری می‌شوند. در این میان یک پیرزن عابر که از مقابل ساختمان نخست‌وزیری می‌گذشت، زیر آوار ماند و شهید شد. طبق گزارشی که در رسانه‌ها و روزنامه‌های آن روزها منتشر می‌شود آمده است که در این حادثه تعدادی دست و پای قطع شده توسط ماموران و نهادها جمع‌آوری شد. بعد از انفجار بمب ۲ فروند هلی‌کوپتر بر فراز نخست‌وزیری برای اطفای حریق و حمل اجساد و مجروحان به پرواز درآمدند و پس از خروج تدریجی مجروحین از ساختمان، امدادگران آتش‌نشانی با کمک پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران به پاکسازی منطقه مشغول شدند. روزنامه اطلاعات علاوه بر گزارش لحظه به لحظه میان مردم رفته تا این حادثه را از دید شاهدان عینی هم روایت کند. در



آگهی نوبتی سه ماهه اول (فروردین، اردیبهشت، خرداد) سال ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شهرستان بندرعباس و توابع (نوبت دوم)



برابر مواد ۱۱ و ۱۲ قانون ثبت و ماده-۵۹ آئین نامه-۵۹ قانون ثبت اسناد و املاک کشور، املاکی که در سه ماهه اول سال ۱۴۰۴ (فروردین، اردیبهشت، خرداد) واقع در منطقه یک شهرستان بندرعباس و توابع پذیرش و قبول درخواست ثبت به عمل آمده به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می-گردد:

بخش یک

۱- پلاک ۲ فرعی از ۶۵۸۷- اصلی شهرداری بندرعباس ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۲۴/۲۷ مترمربع واقع در محله نایبند شمالی

۲- پلاک ۹۶۷۰- اصلی علی اکبر محسنی شورغین فرزند حجت محمد ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۳۵/۹۱ مترمربع واقع در محله نایبند شمالی

۳- پلاک ۹۸۳۸- اصلی عبدالله تقی زاده سر دره فرزند جمعه ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۷۴/۶۲ مترمربع واقع در محله شاه حسینی

۴- پلاک ۱۰۰۳۵- اصلی آقایان محمد و مهدی هردو بشهرت اسلامی جوزانی و خانم سحر اسلامی جوزانی فرزندان جواد بترتیب آقایان هرکدام به نسبت دو سهم و خانم سحر اسلامی جوزانی به نسبت یک سهم همگی از پنج سهم ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۴/۱۴ مترمربع واقع در محله نایبند شمالی

۵- پلاک ۱۱۲۷۹- اصلی علی پورکولغانی فرزند اسحق ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۴۲/۲۵ مترمربع واقع در محله نایبند جنوبی

۶- پلاک ۱۱۲۸۰- اصلی موسی پورکولغانی فرزند اسحق ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۲/۴۸ مترمربع واقع در نایبند جنوبی

۷- پلاک ۱۱۳۰۹- اصلی جهانگیر جهان مهر فرزند محمد ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۳۷/۷۹ مترمربع واقع در محله خواجه عطا

۸- پلاک ۱۱۳۱۰- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ششدانگ یکباب مدرسه به مساحت ۳۲۸۹/۴۲ مترمربع واقع در محله سورو

۹- پلاک ۱۱۳۱۱- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ششدانگ یک باب مدرسه طلوع سورو به مساحت ۵۴۷۲/۳ مترمربع واقع در محله سورو

۱۰- پلاک ۱۱۳۱۲- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ششدانگ یک باب مدرسه شهیدکلانتری به مساحت ۳۰۸۱/۹۷ مترمربع واقع در محله سیدکامل

۱۱- پلاک ۱۱۳۱۳- اصلی مجتبی جلادت فرزند عباسعلی ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۱۹/۳۷ مترمربع واقع در محله خواجه عطا

۱۲- پلاک ۱۱۳۱۶- اصلی بی بی مریم هاشمی پور فرزند احمد و اوستا رضانیان فرزند غلامحسین هرکدام سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۲۷/۸ مترمربع واقع در خیابان امام موسی صدر

۱۳- پلاک ۱۱۳۱۷- اصلی بی بی مریم هاشمی پور فرزند احمد و اوستا رضانیان فرزند غلامحسین هرکدام سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۱۴/۱ مترمربع واقع در خیابان امام موسی صدر

۱۴- پلاک ۱۱۳۲۲- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ششدانگ یکباب مدرسه به مساحت ۳۶۶۲/۴۷ مترمربع واقع در محله سیدکامل

۱۵- پلاک ۱۱۳۲۴- اصلی معصومه ابوالپور فرزند حسین ششدانگ

یک باب خانه به مساحت ۲۳/۹۸ مترمربع واقع در محله نایبند شمالی

۱۶- پلاک ۱۱۳۲۶- اصلی آقایان محمد امین و احمد و عبدالرحمن و اشفاق و مصطفی شهرت دادآفرید هرکدام به نسبت ۱۲۰ سهم فاطمه دادآفرین به نسبت ۶۰ سهم و فوزیه دادآفرید به نسبت ۶۰ سهم همگی فرزندان علی و ندا دادآفرید به نسبت ۱۷ سهم و علی دادآفرید به نسبت ۳۴ سهم و رضا دادآفرید به نسبت ۳۴ سهم

همگی فرزندان پرویز و لایلا خوی فرزند محمد به نسبت ۱۵ سهم مشاع همگی از ۹۶۰ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۴۰/۷ متر مربع واقع در محله سیدکامل

۱۷- پلاک ۱۱۳۲۷- اصلی آقایان محمد امین و احمد و عبدالرحمن و اشفاق و مصطفی شهرت دادآفرید هرکدام به نسبت ۱۲۰ سهم فاطمه دادآفرین به نسبت ۶۰ سهم و فوزیه دادآفرید به نسبت ۶۰ سهم همگی فرزندان علی و ندا دادآفرید به نسبت ۱۷ سهم و علی دادآفرید به نسبت ۳۴ سهم و رضا دادآفرید به نسبت ۳۴ سهم

همگی فرزندان پرویز و لایلا خوی فرزند محمد به نسبت ۱۵ سهم مشاع همگی از ۹۶۰ سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۸۵/۴ مترمربع واقع در محله سیدکامل

۱۸- پلاک ۱۱۳۲۸- اصلی همت بخرد فرزند جنگی ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۲۳ مترمربع واقع در بلوار صیادان

۱۹- پلاک ۱۱۳۲۹- اصلی محمد جعفری فرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۴۳/۳۸ مترمربع واقع در محله نایبند شمالی

۲۰- پلاک ۱۱۳۳۰- اصلی علی کهوری فرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین محل شارع متروکه به مساحت ۷۸/۱۶ مترمربع واقع در سه راه سازمان

۲۱- پلاک ۱۱۳۳۱- اصلی آقای محمود خادم شاه و خانمها شمسی و حلیمه و زینب جملگی به شهرت خادمشاه فرزندان عباس هرکدام به میزان ۸۴ سهم و ۴۲ سهم و ۴۲ سهم و ۴۲ سهم از ۴۲۰ سهم بانضمام بها یک هشتم و آقای عباس و خانم مهناز شهرت هر دو خادمشاه فرزندان غلام بترتیب دارای ۵۶ سهم و ۲۸ سهم مشاع

از ۴۲۰ سهم باستثناء بها یک هشتم و آقایان مهدی و علی هردو بشهرت زعفرانی و آقای عبدالرزاق دریانورد و خانم زاله نیکرو بترتیب فرزندان هوشنگ، هوشنگ، یحیی و علی هرکدام بترتیب دارای ۱۲ سهم و ۱۲ سهم و ۶ سهم همگی از ۴۲۰ سهم باستثناء بها یک هشتم و آقایان غلامرضا، میلاد، علی، رضا، و عدنان شهرت همگی خادمشاه فرزندان عبدالله هر یک ۲۱ سهم مشاع از ۴۲۰ سهم باستثناء بها یک هشتم ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۰/۵۱ مترمربع واقع در محله بلوچها

بخش شش قطعه یک

۲۲- پلاک ۱۷ فرعی از ۴- اصلی محمد صالح احمدی زاده شقوئی فرزند ملا ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۲/۱۷ مترمربع واقع در شاه عوض

۲۳- پلاک ۱۸ فرعی از ۴- اصلی محمد صالح احمدی زاده شقوئی فرزند ملا ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۲۷۶۳/۲ مترمربع واقع شاه عوض

۲۴- پلاک ۱۹ فرعی از ۴- اصلی محمد صالح احمدی زاده شقوئی فرزند ملا ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۸۵۰۹/۹۴ مترمربع واقع شاه عوض

بخش شش قطعه دو

۲۵- پلاک ۸۳۸ فرعی از ۲۲- اصلی غلام فرخ زاده فرزند خدارسان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۹۶۴/۶۲ مترمربع

واقع در شمال

۲۶- پلاک ۳۱۲ فرعی از ۲۳- اصلی حیدر باستی شمیلی فرزند حاجی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مشهور سرریک به مساحت ۷۷۰/۵۱ مترمربع واقع در روستای بالولی

۲۷- پلاک ۷۶۸ فرعی از ۲۵- اصلی حسن ملکوتی نیا فرزند عبدالله ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مشتمل بر نخیلات و انبار غله و یک حلقه چاه به مساحت ۲۹۳۱۷/۹۱ مترمربع واقع در روستای سهرابی

۲۸- پلاک ۷۶۹ فرعی از ۲۵- اصلی حسن ملکوتی نیا فرزند عبدالله ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۴۰۶/۱۴ مترمربع واقع در روستای سهرابی

۲۹- پلاک ۷۷۰ فرعی از ۲۵- اصلی حسن ملکوتی نیا فرزند عبدالله ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۶۹۲/۶۲ مترمربع واقع در روستای سهرابی

۳۰- پلاک ۷۷۱ فرعی از ۲۵- اصلی حسن ملکوتی نیا فرزند عبدالله ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۲۴۹/۵۷ مترمربع واقع در روستای سهرابی

۳۱- پلاک ۳۱۸ فرعی از ۲۸- اصلی فرزانه مهرمند فرزند جهان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۲/۷۰ مترمربع واقع در روستای چاه اسماعیل

۳۲- پلاک ۱۴۶ فرعی از ۴۰- اصلی فاطمه اسپید فرزند غلام ششدانگ یک قطعه زمین محصور به مساحت ۱۳۷۵/۲۳ مترمربع واقع در روستای پشتکوه شمال

۳۳- پلاک ۳۶ فرعی از ۴۲- اصلی عیسی سخاوتنمد فرزند عباس ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۰۳۴/۳۳ مترمربع واقع در روستای آبکهور

نوبتی اصلاحی

۳۴- پلاک ۱۱۲۹۱- اصلی آقایان رامین و رسول بشهرت سودانیان نژاد فرزندان حبیب هرکدام به میزان سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۹۳/۱۱ مترمربع واقع محله خواجه عطا

۳۵- پلاک ۱۹۶ فرعی از ۳۰- اصلی حسین و مصطفی بشهرت تیماس فرزندان دادشاه هرکدام به نسبت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۱۸۶/۸ مترمربع واقع در حسین آباد

لذا به استناد مواد ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کسی نسبت به املاک فوق اعتراض دارد یا بین او و مستدعی ثبت دعوائی نسبت به املاک مذکور در محاکم قضائی در جریان است می-تواند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی، به مدت ۹۰ روز اعتراض خود یا گواهی

مشعر بر طرح دعوی به این اداره تسلیم نماید و به استناد ماده-۵۱ ۸۶ آئین نامه-۵۱ قانون ثبت و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده-های ثبتی که فاقد سابقه بوده یا اعتراض آن-ها در مراجع قضایی از بین رفته است (مصوب ۱۳۷۳/۲/۲۵) از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی ظرف مدت ۳۰ روز به مراجعه به مراجع صالح قضایی دادخواست اعتراض تقدیم و گواهی مربوطه به واحد ثبتی ارائه نماید. در غیر این-صورت پس از سپری شدن مهلت فوق الذکر این اداره برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت اقدام خواهد کرد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

علی اصغر ولی پور عرب

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک بندرعباس

مدیرکل نوسازی:

۱۳۵ مدرسه جدید، مهرماه تقدیم دانش آموزان
هرمزگانی می شود

زهرا شیکری

مهدی باوقار زعیمی با اشاره به اینکه هرمزگان جزء پنج استان برتر نهضت مدرسه سازی در کشور است، گفت: مهرامسال، ۱۳۵ فضای آموزشی جدید برای سال تحصیلی امسال در هرمزگان آماده می شود.

به گزارش صبح ساحل، مهدی باوقار زعیمی با اشاره به اینکه هرمزگان جزء پنج استان برتر نهضت مدرسه سازی در کشور است، گفت: مهرامسال، ۱۳۵ فضای آموزشی جدید برای سال تحصیلی امسال در هرمزگان آماده می شود. وی افزود: با شروع تحصیلی، ساخت ۵۰۰ کلاس درس جدید در استان هدف گذاری شده است. مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان ابراز داشت: احداث مدرسه، توسعه کلاس، خوابگاه و سالن های ورزشی از جمله طرح هایی است که مهرامسال به بهره برداری می رسد. به گفته باوقار، مدارس جدید با ایده از معماری ایرانی-اسلامی و هماهنگ با اقلیم منطقه طراحی شده است. وی با بیان اینکه در نهضت توسعه عدالت آموزشی بیش از ۳۴۰ طرح



است که تا ۲ سال آینده به سرانه کشور نزدیک می شویم. مدیرکل نوسازی مدارس استان تاکید کرد: در هرمزگان ۳۰۳ مدرسه فرسوده و تخریبی وجود دارد که تا دو سال آینده این مدارس بازسازی و یا ساخته می شوند.

فضای آموزشی در استان با پیشرفت فیزیکی ۵۵ درصدی در حال ساخت است، خاطرنشان ساخت: برای اجرای این طرح ها بیش از هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه می شود. باوقار افزود: سرانه آموزشی در هرمزگان پنج و ۲۵ صدم درصد

همزمان با هفته دولت؛

بهره برداری از دبستان شش کلاسه شمیل

زهرا شیکری

به گزارش صبح ساحل، با حضور علی مرادی معاون مشارکت های مردمی این اداره کل و جمعی از مسئولان محلی شهرستان حاجی آباد، دبستان شش کلاسه شمیل به بهره برداری رسید.

مرادی در آیین افتتاح این پروژه که به نمایندگی از طرح های شهرستان حاجی آباد برگزار شد، اظهار داشت: در هفته دولت و مهرماه جاری، ۱۳۵ پروژه آموزشی در قالب ۵۲۰ کلاس درس با زیربنای بیش از ۵۲ هزار مترمربع و اعتباری بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سطح استان هرمزگان افتتاح و مورد بهره برداری قرار می گیرد. وی با اشاره به پروژه های در دست اجرا در شهرستان حاجی آباد افزود: در این شهرستان نیز طی هفته دولت و مهرماه سال جاری، ۴ فضای آموزشی در قالب ۲۱ کلاس درس تقدیم دانش آموزان خواهد شد.

معاون مشارکت های مردمی اداره کل نوسازی مدارس هرمزگان همچنین بیان کرد: دبستان شمیل در قالب ۶ کلاس درس با زیربنای ۴۳۴ مترمربع و با اعتباری بالغ بر ۲۵۰ میلیارد ریال احداث شده است. این پروژه با مشارکت بنیاد برکت و اداره کل نوسازی مدارس استان هرمزگان اجرا گردیده است.

شایان ذکر است با افتتاح این فضای آموزشی، حدود ۱۵۰ دانش آموز شهرستان حاجی آباد از محیطی ایمن و استاندارد برای تحصیل برخوردار خواهند شد.



هفته دولت

در دومین روز از هفته دولت؛

بوستان جیکو هدیه ۱۲ میلیاردی
شهرداری بندرعباس به محله اسلام آباد

سامیه طهوریان

مراسم بهره برداری از بوستان جیکو با حضور شهردار بندرعباس، شهردار منطقه ۴، رئیس و اعضای شورای شهر، فرماندار بندرعباس و جمعی از اصحاب رسانه برگزار شد.

به گزارش صبح ساحل، شهردار بندرعباس، در این مراسم ضمن قدردانی از همراهی اصحاب رسانه در اطلاع رسانی و انعکاس خدمات شهری، عنوان کرد: بوستان جیکو با هدف ایجاد نشاط و شادابی در بین شهروندان و ارتقای سرانه فضای سبز، در قلب محله اسلام آباد احداث شده است. مهدی نوبانی، توضیح داد: بوستان جیکو با مساحت ۷۰۰ مترمربع در مرکز محله اسلام آباد (سمیک) قرار دارد و دارای بخش های متنوعی همچون مسیر پیاده روی، فضای بازی کودکان، فضای انجام شده که علاوه بر کارکرد تفریحی، فضایی برای تعامل و گفت و گوی شهروندان نیز فراهم آورد.



از کلنگ زنی تا بهره برداری در کمتر از یک سال

نوبانی یادآور شد: کلنگ زنی این پروژه سال گذشته با حضور رسانه ها انجام شد و خوشبختانه امروز، همزمان با دومین روز هفته دولت، شاهد بهره برداری رسمی از آن هستیم. به گفته نوبانی، اعتبار هزینه شده برای احداث بوستان جیکو بالغ بر ۱۲ میلیارد تومان بوده است. وی مطرح کرد: احداث این بوستان ها در محلات مختلف شهر در راستای افزایش رضایتمندی شهروندان و ایجاد فضاهای مناسب برای گذران اوقات فراغت خانواده ها انجام می شود.

پروژه بهسازی محله نخل ناخدا و
پارک محله ای با اعتبار ۶/۸ میلیارد
تومان افتتاح شد

سامیه طهوریان

آیین افتتاح طرح زیباسازی و بهسازی محله نخل ناخدا و بهره برداری از بوستان محله ای این منطقه با حضور شهردار بندرعباس، اعضای شورای شهر و جمعی از مسئولان استانی برگزار شد.

به گزارش صبح ساحل، این پروژه بخشی از برنامه های مدیریت شهری بندرعباس برای بازآفرینی بافت های قدیمی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است که همزمان با هفته دولت به بهره برداری رسید. مهدی نوبانی، شهردار بندرعباس، در این مراسم با تبریک هفته دولت گفت: محله نخل ناخدا به دلیل شرایط کالبدی و تراکم جمعیتی نیازمند توجه ویژه بود و به همین منظور طرحی جامع شامل کف سازی، دیوارنگاره های هنری، نورپردازی و بهسازی محیطی اجرا شد. وی افزود: هدف از اجرای این پروژه، ارتقای امنیت محله، افزایش ارزش افزوده املاک و ایجاد فضایی دلنشین برای زندگی شهروندان بوده است. شهردار بندرعباس تصریح کرد: برای اجرای این طرح اعتباری بالغ بر هشت میلیارد و ششصد میلیون تومان اختصاص یافت و عملیات اجرایی آن در مدت هشت ماه به پایان رسید. نوبانی با اشاره به ایجاد فضای سبز و تفریحی در ورودی محله، گفت: «یک پارک محله ای به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع در نخل ناخدا احداث و امروز به بهره برداری رسید. این مجموعه با توجه به نیاز جمعیتی منطقه، طراحی و با مصالح مناسب ساخته شده است.» وی در ادامه به برنامه های شهرداری در هفته دولت اشاره کرد و اظهار داشت: شهرداری بندرعباس امسال پروژه هایی به ارزش ۸۵ میلیارد تومان را آماده بهره برداری کرده است و هر روز یکی از این طرح ها افتتاح خواهد شد. به گفته نوبانی، بازآفرینی محلات قدیمی و فرسوده یکی از اولویت های اصلی مدیریت شهری در سال جاری است و چندین پروژه دیگر در این راستا در ماه های آینده به بهره برداری خواهد رسید. این مراسم با حضور اهالی محله نخل ناخدا برگزار شد و شهروندان ضمن ابراز خرسندی از تغییر چهره محله، خواستار تداوم روند بازآفرینی در سایر نقاط شهر شدند.

نقطه عطف در توسعه نظام سلامت هرمزگان

بهره‌برداری از ۶۲ پروژه بهداشتی و درمانی با اعتبار ۸۷۵ میلیارد تومان



غزاله ماندگاری

همزمان با هفته دولت ۱۴۰۴، ۶۲ پروژه شاخص در حوزه بهداشت، درمان و تجهیزات سرمایه‌ای در هرمزگان با حضور مسئولان استانی و به همت دانشگاه علوم پزشکی استان به بهره‌برداری رسید.

به گزارش صبح ساحل، این پروژه‌ها با اعتباری بالغ بر ۸۷۵ میلیارد تومان اجرا شده و طیف گسترده‌ای از خدمات و تجهیزات نوین را شامل می‌شود؛ از جمله راه‌اندازی دو مرکز پیشرفته تصویربرداری سی‌تی‌اسکن، مرکز دیالیز مجهز، مرکز بیمار تالاسمی، تأمین ۳۵ دستگاه آمبولانس مدرن و ۱۰۰ دستگاه موتورسیکلت ویژه شبکه بهداشت. همچنین ۳۶ واحد بهداشتی شامل خانه‌های بهداشت، پایگاه‌های اورژانس، آزمایشگاه‌ها و مراکز جامع سلامت توسعه یافته و پنج یونیت دندانپزشکی در مراکز منتخب نصب شده است. در کنار این طرح‌ها، عملیات اجرایی ۱۰ پروژه راهبردی

دیگر با اعتباری بالغ بر ۱۱۶ میلیارد تومان آغاز شد؛ از جمله احداث سه مرکز سی‌تی‌اسکن در شهرستان‌های بندرخمیر، بشاگرد و ابوموسی، کلینیک ویژه بیمارستان سیریک، خوابگاه دانشجویی در بندرلنگه و طرح‌های توسعه‌ای بیمارستان بندرخمیر. رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، دکتر پژمان شاهرخی، در این آیین گفت: این پروژه‌ها گامی مهم در مسیر عدالت درمانی و ارتقای کیفیت خدمات به شمار می‌آید. اجرای چنین طرح‌هایی در شرایط سخت اقتصادی، بیانگر عزم دانشگاه و حمایت دولت برای بهبود دسترسی همگانی به خدمات بهداشتی و درمانی است. وی همچنین با قدردانی از خیرین سلامت، مشارکت آنان را سرمایه‌ای ماندگار برای آینده استان دانست. به گفته دکتر شاهرخی، بهره‌برداری از این پروژه‌ها بخشی از برنامه جامع توسعه زیرساخت‌های سلامت در هرمزگان است که دستاورد آن ارتقای شاخص‌های سلامت و بهبود کیفیت زندگی مردم خواهد بود.

زباله‌ها، قاتلانی پنهان در اعماق خلیج فارس

صمد حمزه‌ئی

رئیس مرکز اقیانوس‌شناسی هرمزگان



اتحادیه اروپا نیز قوانینی برای استفاده از مواد زیست‌تخریب‌پذیر در تجهیزات صیادی تصویب کرده است. در سطح منطقه‌ای کشورهای مختلف از جمله ترکیه، عمان و امارات متحده عربی اقدامات مؤثری برای مقابله با این معضل انجام داده‌اند. ترکیه با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند ربات‌های زیرآبی، به جمع‌آوری تورهای رها شده می‌پردازد. عمان برنامه‌های پاکسازی گسترده‌ای در مناطق حفاظت‌شده دریایی خود اجرا کرده است. امارات نیز با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، طرح‌های بازیابی تورهای رها شده را به اجرا گذاشته است. این تلاش‌های منطقه‌ای می‌تواند الگویی ارزشمند برای دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس باشد. ایران به عنوان یکی از کشورهای فعال در صنعت ماهیگیری، با چالش‌های جدی در زمینه مدیریت ابزارهای صیادی مواجه است. نبود سیستم‌های ردیابی، ضعف در آموزش صیادان، نبود مقررات سخت‌گیرانه برای جمع‌آوری ابزارهای رها شده، به گسترش این بحران دامن زده است. برای مقابله با صید اشباح، راهکارهایی مانند استفاده از ابزارهای زیست‌تخریب‌پذیر، نصب مکانیزم‌های خودبازشونده در گرگورها، ثبت و ردیابی ابزارهای صیادی با GPS، و آموزش جوامع صیادی ضروری است. همچنین، همکاری منطقه‌ای میان کشورهای حاشیه خلیج فارس برای نظارت و پاک‌سازی نقاط بحرانی می‌پردازد. پروژه حفظ این اکوسیستم ارزشمند باشد.

نیاز دارند و در تورها خفه می‌شوند، تا دلفین‌ها و نهنگ‌هایی که به دلیل کنجکاوی به دام می‌افتند و با زخم‌های عمیق و عفونت مواجه می‌شوند. کوسه‌های کف‌زی، پرندگان دریایی، و حتی غواصان انسانی نیز در موارد نادر قربانی این دام‌های بی‌صاحب شده‌اند. این ابزارها با گذشت زمان دچار فرسایش می‌شوند و پلاستیک‌های آن‌ها به میکروپلاستیک تبدیل شده و وارد زنجیره غذایی آبزیان و در نهایت انسان‌ها می‌شوند؛ تهدیدی جدی برای سلامت عمومی. در سطح جهانی، سالانه بیش از ۶۴۰ هزار تن تجهیزات ماهیگیری در دریاها رها می‌شود. در مناطقی مانند «زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام»، بخش عمده‌ای از زباله‌ها از تورهای ماهیگیری تشکیل شده‌اند. این ابزارها دهه‌ها در آب باقی می‌مانند و به‌طور مداوم به صید ادامه می‌دهند، بی‌آنکه کسی از آن‌ها بهره‌برداری کند. در خلیج فارس، که یکی از غنی‌ترین و در عین حال شکننده‌ترین اکوسیستم‌های دریایی جهان است، صید اشباح به‌ویژه در مناطق مرجانی، جنگل‌های حرا و علفزارهای دریایی اثرات مخربی بر جای گذاشته است. این مناطق که محل تخم‌ریزی و پناهگیری بسیاری از گونه‌های دریایی‌اند، با حضور تورهای رها شده به‌تدریج نابود می‌شوند. در سطح جهانی، برنامه‌های مختلفی برای مقابله با این معضل اجرا شده است. ابتکار اقیانوس پاک سازمان ملل به پاکسازی نقاط بحرانی می‌پردازد. پروژه «تورهای ارواح» در آمریکا سالانه ده‌ها تن تور رها شده را جمع‌آوری می‌کند.

در دل آب‌های گرم و نیمه‌بسته خلیج فارس، تهدیدی خاموش در حال گسترش است؛ تهدیدی که نه با صدای موتور کشتی‌ها، بلکه با سکوت مرگبار تورهایی بی‌صاحب، جان هزاران موجود دریایی را می‌گیرد. صید اشباح (Ghost Fishing)، اصطلاحی برای توصیف ابزارهای ماهیگیری رها شده یا گمشده‌ای است که همچنان به شکار ادامه می‌دهند، بی‌آنکه کسی آن‌ها را کنترل کند یا حتی از وجودشان آگاه باشد. این ابزارها شامل طیف وسیعی از وسایل صیادی‌اند: تورهای گوش‌گیر که در لایه‌های میانی آب معلق‌اند، قلاب‌های پیوسته (longline) که صدها قلاب را در امتداد یک رشته طویل در آب رها می‌کنند، گرگورهای فلزی یا سیمی که در کف دریا جا خوش کرده‌اند، تور مشتهای ساحلی که در مناطق کم‌عمق نصب می‌شوند و حتی تورهایی که در جریان بازرسی‌های دریایی به دلیل صید غیرمجاز ضبط شده اما به جای جمع‌آوری، در دریا رها شده‌اند. بسیاری از این ابزارها به‌طور ناخواسته در دریا باقی می‌مانند؛ گاهی در اثر طوفان، گاهی به دلیل برخورد با کشتی‌های دیگر یا تورهای ترال و گاهی به علت گیر افتادن در بسترهای سنگی و صخره‌های مرجانی که امکان بازیابی آن‌ها را از بین می‌برد. اما فارغ از علت، نتیجه یکسان است: ادامه شکار بی‌هدف، مرگ تدریجی گونه‌های دریایی و تخریب اکوسیستم‌های حساس. برآوردها نشان می‌دهند که هر سال بین ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار تن انواع آبزیان در تورهای اشباح در خلیج فارس از بین می‌روند؛ رقمی معادل ۱۰ تا ۲۰ درصد کل صید سالانه در این پهنه آبی. این آمار تکان‌دهنده نشان‌دهنده ابعاد فاجعه‌ای خاموش در زیر سطح آب است که نه تنها منابع غذایی را تهدید می‌کند، بلکه تعادل اکولوژیک منطقه را نیز به خطر می‌اندازد. نکته نگران‌کننده‌تر آن است که این ابزارهای رها شده، با صید ماهی‌های کوچک و طعمه‌گونه، زمینه جذب و شکار ماهی‌های بزرگ‌تر را فراهم می‌کنند. این چرخه تغذیه‌ای به‌طور خودکار ادامه می‌یابد؛ ماهی کوچک در دام می‌افتد، ماهی بزرگ‌تر برای شکار آن نزدیک می‌شود و خود نیز گرفتار می‌شود. این روند می‌تواند دهه‌ها ادامه داشته باشد تا زمانی که ابزار صیادی به‌طور کامل تجزیه شود یا از بین برود. در مطالعه‌ای میدانی در آب‌های استان بوشهر، ده‌ها گرگور رها شده بررسی شدند که همچنان میزبان ماهی‌های زنده بودند. گونه‌هایی مانند هامور، سنگسر و حتی سخت‌پوستانی چون خرچنگ‌ها در این تله‌ها گرفتار شده بودند. این ابزارها نه تنها به صید گونه‌های تجاری ادامه می‌دهند، بلکه جان موجودات غیرهدف را نیز می‌گیرند؛ از لاک‌پشت‌هایی که برای تنفس به سطح آب